



رشد اقتصادی در پنج دهه گذشته تحت تأثیر چه عواملی بوده است؟

حمید آذرمند

نقل مطالب با ذکر ماخذ مجاز است

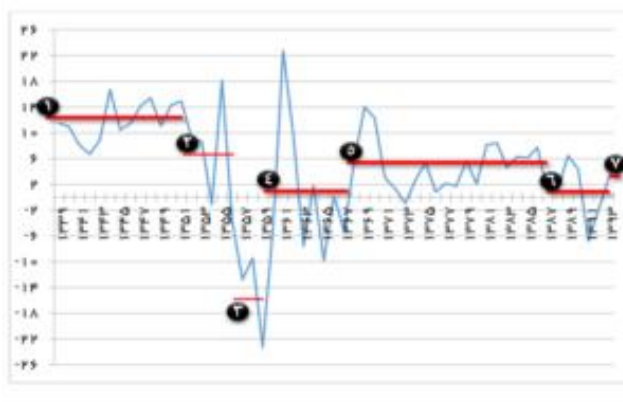
مجموعه گزارش‌های پژوهشی

شماره سریال ۱۱۹ wp

به نایع خمر

رشد اقتصادی در پنج دهه گذشته تحت تاثیر چه عواملی بوده است؟^۱

رشد اقتصادی ایران، طی پنج دهه گذشته به هفت دوره قابل تقسیم است. دوره اول از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۱ را شامل می‌شود. این دوره هم‌زمان با توسعه صنایع و کاهش سهم بخش کشاورزی در اقتصاد است. متوسط رشد اقتصادی این دوره به قیمت‌های ثابت برابر با ۹/۱۱ درصد بوده است. از جمله عوامل موثر بر رشد اقتصادی بالا و پایدار در این دوره می‌توان به رشد سریع بخش صنعت، انتقال تکنولوژی، توسعه زیرساخت‌ها، رشد بخش ساختمان و رشد خدمات عمومی اشاره کرد. در این بین رشد شتابان بخش صنعت نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد اقتصادی کشور داشت به طوری که رشد سالانه ارزش افزوده بخش صنعت طی ۱۲ سال از ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۱، به طور متوسط برابر با ۲/۱۲ درصد بود. این رشد سریع موجب شد سهم بخش صنعت از کل تولید ناخالص داخلی، از ۵/۸ درصد در سال ۱۳۳۸ به ۴/۱۲ درصد در سال ۱۳۵۱ برسد. سازمان‌های حمایت‌کننده صنایع، مانند سازمان مدیریت صنعتی و سازمان گسترش و نوسازی صنایع در این دوره تشکیل شدند. دوره دوم رشد شامل سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ است.



نمودار ۱ - روند تغییرات رشد اقتصادی در ایران

از ویژگی‌های بارز این دوره جهش بی‌سابقه درآمدهای نفتی، تضعیف نهادهای برنامه‌ریزی کشور، بی‌ثباتی اقتصادی و آشکار شدن نشانه‌های بیماری هلندی در اقتصاد ایران است. درآمدهای نفتی کشور، که در اوایل دهه ۱۳۵۰ کمتر از سه

^۱ - این گزارش در هفته‌نامه تجارت فردا شماره ۱۹۱ به چاپ رسیده است.

میلیارد دلار در سال بود، در سال ۱۳۵۶ به بیش از ۲۳ میلیارد دلار رسید. در دوره مذکور، با وجود سرازیر شدن درآمدهای نفتی به کشور، رشد اقتصادی کاهش محسوسی یافت. میانگین سالانه رشد اقتصادی در این دوره برابر با ۲/۶ درصد بود. دوره سوم مربوط به سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ است.

متوسط رشد اقتصادی در این دوره، که هم‌زمان با تحولات پرشتاب سیاسی بود، به سطح منفی ۲/۱۵ درصد کاهش یافت. دوره چهارم هم‌زمان با دوره جنگ تحمیلی است. متوسط سالانه رشد اقتصادی طی دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ برابر با ۹/۰ درصد بوده است. دوره پنجم با پایان یافتن جنگ تحمیلی آغاز شد. این دوره شامل سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶ است. دوره پنجم با آغاز دور جدید برنامه‌های توسعه هم‌زمان بود. متوسط رشد اقتصادی در این دوره با افزایش قابل توجهی مواجه بوده و به طور میانگین به ۱/۵ درصد رسید. در این دوره، به استثنای سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۶، در سایر سال‌ها رشد اقتصادی نسبتاً بالا و پایداری تجربه شد.



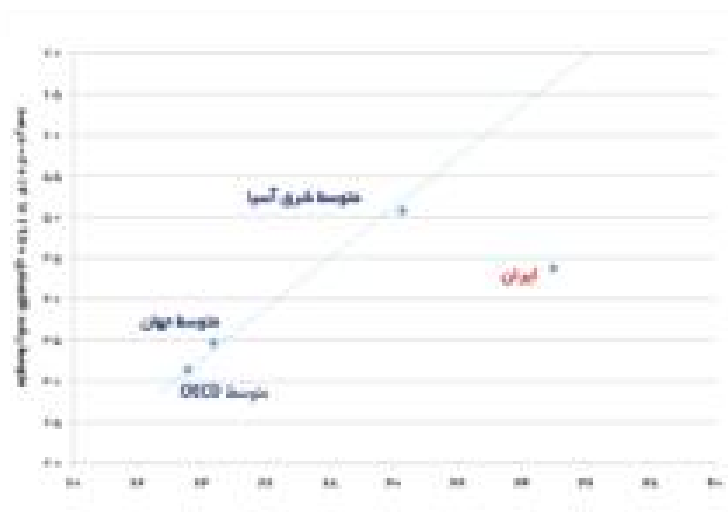
نمودار ۲ - عوامل تعیین‌کننده رشد طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۳

از سال ۱۳۸۷، به لحاظ رشد اقتصادی، دوره جدیدی آغاز شد. در دوره ششم که شامل سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ است، رشد اقتصادی افت محسوسی پیدا کرد. متوسط سالانه رشد اقتصادی در این دوره به ۷/۰ درصد کاهش پیدا کرد. یکی از علل کاهش رشد اقتصادی در این دوره، کاهش نرخ سرمایه‌گذاری در اقتصاد بود. متوسط نسبت تشکیل سرمایه و تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ به رقم ۵/۲۸ درصد کاهش یافت. این نسبت طی چهار دهه قبل از آن، حتی در زمان جنگ تحمیلی، به طور متوسط بیش از ۳۳ درصد بود. کاهش نرخ سرمایه‌گذاری، یکی از عوامل اصلی کاهش رشد اقتصادی طی دوره ششم بود. در این دوره با وجود افزایش بی‌سابقه درآمدهای نفتی، به سبب مدیریت نامناسب منابع حاصل از صادرات نفت، آثار بیماری هلندی مجدداً در اقتصاد ظاهر شد. از جمله ویژگی‌های این دوره، کاهش رشد اقتصادی، بی‌ثباتی بازارها، بی‌ثباتی قیمت‌ها، کاهش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی و تضعیف نهادهای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری است. در سال‌های پایانی این دوره، یعنی سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، با تشدید تحریم‌های بین‌المللی، اقتصاد دچار رکود عمیقی شد. رشد اقتصادی سال ۱۳۹۱ برابر با منفی ۸/۶ درصد بود.

دوره هفتم رشد، از سال ۱۳۹۳ آغاز شده است. در ابتدای این دوره با تغییر دولت و بهبود انتظارات و بهره‌گیری از ظرفیت‌های خالی در اقتصاد، رشد اقتصادی به سه درصد در سال ۱۳۹۳ افزایش یافت. افزایش رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۳ پایدار نماند و در سال ۱۳۹۴ رشد اقتصادی کشور مجدداً به میزان قابل توجهی کاهش یافت.

چشم‌انداز رشد در اقتصاد ایران

در سال ۱۳۹۵ اگرچه پیش‌بینی می‌شود نرخ رشد اقتصادی تا حدود چهار درصد افزایش یابد، ولی همچنان رشد اقتصادی کشور چشم‌انداز ناپایداری دارد. برخی برآوردها نشان می‌دهد، در صورت ادامه روند فعلی، احتمال کاهش رشد اقتصادی در سال آینده بسیار بالاست.



نمودار ۳ - ارتباط بین رشد و نرخ سرمایه‌گذاری طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۴

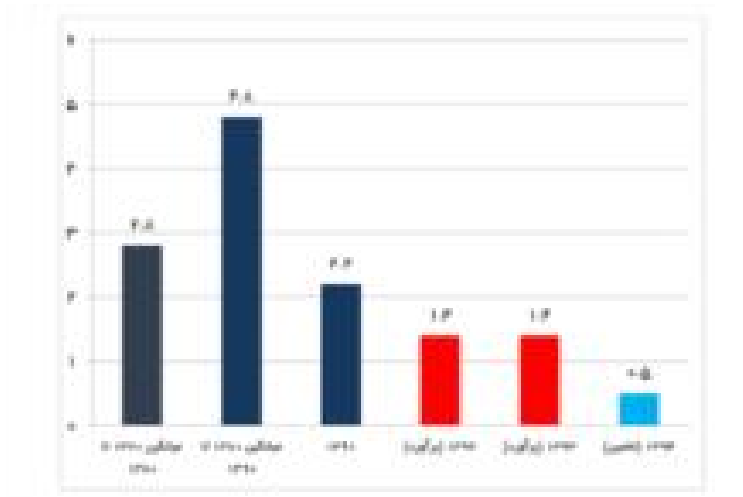
ناپایداری رشد در اقتصاد ایران ناشی از علل و شرایط مختلفی است که به برخی از آنها در اینجا اشاره می‌شود. تحلیل حسابداری رشد نشان می‌دهد، رشد اقتصادی بلندمدت ایران عمدتاً متکی بر رشد موجودی سرمایه بوده است. بر اساس گزارش سازمان بهره‌وری آسیایی، در دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۳، به‌طور متوسط ۷۲ درصد از رشد اقتصادی ایران از محل رشد موجودی سرمایه ثابت، ۲۷ درصد از محل رشد نیروی کار و تنها یک درصد از محل رشد بهره‌وری حاصل شده است. این در حالی است که در کشورهای نظیر کره و ژاپن حدود یک‌چهارم، در کشور آمریکا و هند نزدیک به ۳۰ درصد و در کشور چین و تایلند بیش از یک‌سوم رشد اقتصادی از محل بهره‌وری حاصل شده است. تجربه رشد اقتصادی در جهان نشان می‌دهد، کشورهایی که رشد اقتصادی آنها متکی بر رشد سرمایه ثابت است، رشد ناپایدار و کاهنده‌ای دارند. ناپایداری رشد اقتصادی در ایران و روند نزولی نرخ رشد در دهه اخیر نیز، این موضوع را تأیید می‌کند.

سهم ناچیز بهره‌وری در رشد اقتصادی و سرمایه‌محور بودن رشد اقتصادی در ایران، موجب شده است به‌رغم بالا بودن نسبت سرمایه‌گذاری به تولید در ایران در مقایسه با متوسط جهان و حتی متوسط شرق آسیا، ایران در دستیابی به نرخ رشدهای بالا و پایدار ناموفق باشد.

نمودار ۳ نشان می‌دهد، نرخ سرمایه‌گذاری در ایران بیش از متوسط کشورهای شرق آسیاست ولی در بلندمدت متوسط رشد اقتصادی ایران کمتر از کشورهای شرق آسیا بوده است. این مساله، با ناچیز بودن سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی ایران، قابل توضیح است. در واقع تفاوت نرخ رشد اقتصادی ایران و کشورهای شرق آسیا، عمدتاً ناشی از تفاوت در عملکرد بهره‌وری اقتصاد است.

همان‌طور که گفته شد، از یک‌سو رشد اقتصادی ایران اساساً رشدی سرمایه‌محور است و از سوی دیگر متوسط نرخ رشد موجودی سرمایه خالص نیز از سال ۱۳۸۸ به بعد مستمراً کاهش یافته است. نتیجه این دو گزاره، ناپایداری رشد در سال‌های آینده خواهد بود.

روند تشکیل سرمایه ثابت سال‌های گذشته نشان می‌دهد، میانگین رشد آن طی دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۷ حدود ۹ درصد بوده است. با کاهش تدریجی رشد تشکیل سرمایه ثابت از سال ۱۳۸۸ به بعد، میانگین رشد تشکیل سرمایه طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ به منفی ۱/۴ درصد رسید. چنین کاهش رشدی در سرمایه‌گذاری بسیار کم‌سابقه است. کاهش مستمر رشد سرمایه‌گذاری طی چندین سال گذشته موجب کاهش رشد موجودی سرمایه ثابت کشور شده است که آن هم به طور طبیعی بر نرخ رشدهای سال‌های بعد از آن اثرگذار خواهد بود. رشد موجودی سرمایه خالص کشور از سال ۱۳۸۸ مستمراً در حال نزول بوده است. علاوه بر آن، عوامل متعدد دیگری هم در زمینه کاهش نرخ رشد اقتصادی موثر بوده است. به عنوان مثال اقتصاد کشور در نتیجه عملکرد یک دهه گذشته، به طور جدی با انواع چالش‌ها نظیر عقب ماندن از تکنولوژی روز دنیا، فرسودگی شدید تجهیزات و ماشین‌آلات تولیدی، ضعف زیرساخت‌های اساسی به ویژه در زمینه حمل و نقل، انرژی و ارتباطات، وجود موانع مربوط به مبادلات مالی با سایر کشورها و مشکلات مربوط به تامین مالی بنگاه‌ها مواجه است. طبیعی است در چنین شرایطی، احیای رشد اقتصادی و دستیابی به نرخ رشدهای بالا و پایدار، حتی با فرض رفع تحریم‌ها، بسیار دشوار است.



نمودار ۴ - روند رشد موجودی سرمایه خالص کشور (درصد)

چه باید کرد؟

اقتصاد ایران به منظور ایجاد اشتغال برای موج نیروی کار بالقوه سال‌های آینده و همچنین برای حفظ و ارتقای جایگاه خود در منطقه و جهان، نیاز به رشد اقتصادی پایدار و بالا دارد. دستیابی به چنین رشدی حداقل به سه پیش‌نیاز اساسی نیازمند است. پیش‌نیاز اول اصلاح و ترمیم ساختارها و ابزارهای سیاست‌گذاری است. پیش‌نیاز دوم جهش در سرمایه‌گذاری است و پیش‌نیاز سوم افزایش سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی است. البته روشن است که بین این سه پیش‌نیاز، ارتباط و هم‌پوشانی وجود دارد. در زمینه پیش‌نیاز اول (اصلاح و ترمیم ساختارها و ابزارهای سیاست‌گذاری) اقداماتی نظیر اصلاح ساختار حمایت‌ها، شفافیت و سلامت مالی، استقلال بانک مرکزی، کاهش مداخلات دولت در اقتصاد به ویژه در قیمت‌گذاری،

اصلاح نظام بانکی و اصلاح قوانین و مقررات از اولویت برخوردار است. پیش‌نیاز دوم رشد، عبارت از جهش در سرمایه‌گذاری است.

در این زمینه از یک‌سو کاستی‌های جدی در زیرساخت‌های اساسی مانند حمل و نقل، انرژی و ارتباطات وجود دارد و از سوی دیگر بنگاه‌های ما با فرسودگی شدید تجهیزات و ماشین‌آلات تولیدی و عقب ماندن از تکنولوژی روز دنیا مواجه‌اند. توسعه زیرساخت‌ها و جبران عقب‌ماندگی‌ها نیازمند منابع مالی کلانی است که تامین آن فراتر از توان بودجه‌ای دولت‌هاست. در اینجا نیاز به ابتکار عمل دولت در ایجاد تنوع در تامین مالی پروژه‌هاست. لازم است دولت در حد توان خود شرایط جذب سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم کند. جذب منابع مالی خارجی به ویژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این زمینه بسیار حائز اهمیت است.

امروزه در دنیا تجربه‌های بسیار موفقی در تامین مالی طرح‌های بزرگ زیرساختی به اتکای منابع خارجی وجود دارد که کشور ما از آن بی‌بهره بوده است. در نهایت، پیش‌نیاز سوم به منظور دستیابی به رشد اقتصادی پایدار، افزایش سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی است. افزایش سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی، فرآیندی بلندمدت است و مستلزم بهبود محیط کسب و کار، شفافیت و سلامت اقتصاد، ثبات اقتصاد کلان، آزادسازی اقتصادی، اصلاح انحرافات قیمتی، خصوصی‌سازی واقعی بنگاه‌های دولتی و عمومی، کاهش انحصارات و نظایر آن است.

متوسط سالانه رشد اقتصادی (درصد)	دوره‌ها	
۱۱/۹	۱۳۵۱ تا ۱۳۳۹	۱
۶/۲	۱۳۵۶ تا ۱۳۵۲	۲
-۱۵/۲	۱۳۵۹ تا ۱۳۵۷	۳
۰/۹	۱۳۶۷ تا ۱۳۶۰	۴
۵/۱	۱۳۸۶ تا ۱۳۶۸	۵
۰/۷	۱۳۹۲ تا ۱۳۸۷	۶
۳	۱۳۹۳	۷
۴/۶		کل دوره (۱۳۳۹ تا ۱۳۹۳)

جدول ۱- متوسط رشد اقتصادی در دوره‌های مختلف

۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	رشد اقتصادی
...	...	اعلام نشده است	بانک مرکزی
...	...	یک	مرکز آمار
۳/۷	۴	صفر	پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول
۳	۴	بین منفی ۵/۵ تا صفر	برآورد نگارنده مقاله (در صورت ادامه روند فعلی)

جدول ۲- پیش‌بینی رشد اقتصادی